گزارش و نقد نرم‏افزار «توحید»

نکو نام، جعفر

این گزارش و نقد به مناسبت ایراد سخنرانى آقاى عباس اعرابى هاشمى به تاریخ 20/3/78 در مرکز فعّالیّت‏ها و پژوهش‏هاى قرآن و عترت وابسته به دانشگاه آزاد اسلامى تهیّه شده است.

1) گزارش

«توحید» نرم‏افزارى قرآنى است که آقاى عباس اعرابى هاشمى مطالعات مربوط بدان را از سال 1347 آغاز کرده و در سال 1375 به نتیجه رسانده است. سیر مطالعات نامبرده چنین بوده است که نخست توجه او به همسانى اواخر آیات سوره‏ها در بیشتر موارد جلب شده است؛ مثل اواخر آیات سوره کهف که به الف ختم مى‏شوند؛ سپس در صدد برآمده است که آیات قرآن را بر پایه حروف پایانى‏اشان به ترتیب الفبا مرتب کند. در این هنگام بسیارى از آیات را که با هم شباهت لفظى دارند، مشاهده مى‏کند؛ مانند شباهت لفظى آیات 1-5 سوره بقره با آیات 1-5 سوره لقمان که در جدول ترسیمى نرم‏افزار توحید اینچنین نمایش داده شده‏اند:

بسم الله الرحمن الرحیمبسم الله الرحمن الرحیم

الآمآ الآمآ

ذَلِکَ الْکِتَبُ لارَیْبَ فِیهِتِلْکَ ءَاَیتُ الْکِتَبِ الْحَکِیمِ

هُدًىهُدًى وَ رَحْمَةً

لِلْمُتَّقِینَلِلْمُحْسِنِینَ

الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِاْلغَیْبِالَّذِینَ

سوره بقرة (5-1)سوره لقمان (5-1)

وَیُقِیمُونَ الصَّلَوةََیُقِیمُونَ الصَّلَوةَ

وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ یُنِفقُونَوَ یُؤْتُونَ الزَّکَوةَ

وَالَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ اِلَیْکَ

وَ مَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِکَ

وَ بِإلْأَخِرَةِ‏هُمْ یُوقِنُونَوَ هُم بِإلْأَخِرَةِ‏هُمْ یُوقِنُونَ

أُوْلَئِکَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ أُوْلَئِکَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ

وَ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَوَ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

سپس در مقایسه میان آیات مشابه ملاحظه مى‏کند که آنها در عین تشابه با یکدیگر اختلافاتى نیز دارند و این اختلافات مجهولات یکدیگر را معلوم مى‏سازند و به اصطلاح همدیگر را تفسیر مى‏کنند؛ براى نمونه، او با مقایسه «و مّما رزقناهم ینفقون»(1) [بقره 3] با «ویؤتون الزکاة»(2) [لقمان 4] اظهار مى‏کند که زکات به ارزاق تعلق مى‏گیرد. وى به این ترتیب، بخش مشترک پایان آیات را بواقع پل ارتباطى میان آیات متحدالموضوع مى‏شمارد و سراسر قرآن را برخوردار از چنین ارتباطى تلقى مى‏کند و به تصور اینکه با مطالعه روى این ارتباط میان آیات مى‏توان تمام مجهولات قرآنى و بلکه کلّیّه مجهولات علوم انسانى را معلوم ساخت و تفاسیر قرآنى و علوم انسانى را از تشتت آراء رهاند و حتّى فرهنگ قرآنى را به عنوان یگانه فرهنگ جهانى به مردم جهان معرّفى کرد، در صدد بر مى‏آید که نرم‏افزار مورد بحث را تولید و عرضه کند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1) و از آنچه روزى‏اشان دادیم، انفاق مى‏کنند.

2) و زکات مى‏دهند.

کاربرد اصلى این نرم‏افزار آن است که آیات داراى پایان مشترک را- اگرچه فقط در دو حرف پایانى با هم اشتراک داشته باشند- مى‏نمایاند.

2) نقد

شناخت آیات مشابه با عنوان «علم متشابه القرآن» از دیرباز مورد اهتمام دانشمندان علوم قرآن بوده است، تا جایى که کتابهاى مستقلى به همین نام تألیف شده است. سیوطى گوید: «به گمانم اوّلین کسى که درباره متشابه‏القرآن تألیف کرد، کسائى(1) (119-189 ق) بود. سخاوى(2) (ت 643 ق) آن را به نظم در آورد و کرمانى(3)(ت 505 ق) در شرح آن، کتاب «البرهان فى متشابه القرآن» را نوشت و از آن بهتر «دُرَّة التنزیل و غُرّة‏التأویل» ابوعبدالله رازى(4) ( ت 606 ق) است و از آن بهتر «ملاک التأویل» ابوجعفربن‏زبیر(5) (ت 708 ق) است. قاضى بدرالدین بن‏جماعه(6)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1) على‏بن‏حمزه کسائى یکى از قرّاء سبعه است [1 [.

2) على‏بن محمد سخاوى آشناى به قرائات و دیگر علوم قرآن بود [2 [.

3) محمودبن‏حمزه کرمانى آگاه به قرائات و تفسیر بود. حاجى خلیفه نام کامل کتاب او را درباره متشابه القرآن چنین آورده است: «البرهان فى توجیه متشابه القرآن لما فیه من الحجة والبیان» و افزوده است: «در آن آیات متشابه که در قرآن تکرار شده‏اند و سبب و فائده آنها ذکر شده است [3].

4) فخرالدین محمدبن‏عمر رازى مفسر و متکلم بود و «التفسیر الکبیر» از آن اوست [4] حاجى خلیفه کتاب«درّة‏التنزیل و غرّة‏التأویل» او را درباره آیات متشابه خوانده و افزوده است: «در آن از آیات تکرارى که در برخى کلمات، متفق و در برخى دیگر از کلمات، مختلف‏اند، سخن گفته است» [5] .

5) احمدبن‏ابراهیم بن‏زبیر غرناطى محدث، نحوى، مقرى، مفسر و مورّخ بود. داوودى نام کامل کتاب او را درباره متشابه القرآن «ملاک التأویل فى‏متشابه اللفظ من التنزیل» یاد کرده است [6 [؛ ولى حاجى خلیفه آن را چنین آورده است: «ملاک التأویل القاطع لذوى الالحاد و التعطیل و توجیه المتشابه اللفظى من آى التنزیل» [7 [.

6) محمدبن‏عبدالعزیز مقدسى معروف به ابن‏جماعه در اغلب علوم نقلى و عقلى آشنایى داشت [8].

 (759-819 ق) نیز در این زمینه کتابى زیبا به نام «کشف‏المعانى عن متشابه المثانى» دارد [9].

اخیرا دو پژوهش دانشگاهى نیز در این زمینه به انجام رسیده است: یکى با عنوان «تجزیه و تحلیل علت تکرار الفاظ و مفاهیم قرآن کریم»، رساله دکتراى خانم پریچه ساروى [10] و دیگرى با نام «علم متشابه القرآن و مختلفه» پایان‏نامه کارشناسى ارشد آقاى کریم پارچه باف[11] .

نظر به اینکه آیات متشابه در عین تشابه اختلافاتى نیز با یکدیگر دارند، در تعریف متشابه القرآن گفته‏اند: «آن عبارت است از آوردن یک قصه به صورتهاى متفاوت و آهنگهاى مختلف» [12]. مواردى از اختلافات آیات متشابه به این قرار است:[13]

1) تقدیم و تأخیر؛ مانند آیه «وَادْخُلُوالْبابَ سُجَّدا وقولوا حِطَّةٌ»(1) [بقره 58] در قیاس با آیه «وَقُولُوا حِطَّة وَادْخُلُو الْبابَ سُجَّدا» [اعراف 161].

2) زیادت و نقصان؛ مثل آیه «وَلکِنْ کانُواانَفْسُهَم یَظْلِمُونَ»(2) [بقره 57] و آیه «وَلکِنْ انفسَهم یَظْلِمُونَ»[آل‏عمران117]

3) تعریف و تنکیر؛ نظیر «وَ یَقْتَلُونَ النَّبیینَ بِغَیْرِ الْحَقِّ [بقره 61] و «وَیَقْتُلوُنَ الْاَنْبیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ»(3)] آل عمران 112].

4) جمع و مفرد؛ چون «لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ إلّا أیّاما معدوداتٍ [آل عمران 24] و «لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ اِلّا اَیّاما مَعْدُوةً»[بقره80(4)].

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1) و سجده‏کنان از در [بزرگ] در آیید و بگویید: [خداوندا،] گناهان ما را بریز!

2) بلکه بر خویشتن ستم مى‏کردند.

3) و پیامبران را بناحق مى‏کشتند.

4) هرگز آتش جز چند روزى به ما نخواهد رسید.

5) تبدیل حرفى به حرفى دیگر؛ مانند «اسْکُنْ أَنْتَ وَ زوجُکَ وَ کُلا»(1) [بقره 35] و «اسْکُن أَنْتَ وَ زوجُکَ فَکُلا»[اعراف 19].

حاصل بحث آنکه وجود آیات مشابه در قرآن امر پنهانى نبوده است. فوائد مطالعه و مقایسه آنها مثل تفسیر قرآن به قرآن نیز چیز مکتومى نیست؛ امّا این تصور که همه مجهولات قرآنى و حتى کلّیّه مجهولات علوم انسانى به کمک مقایسه این آیات معلوم مى‏شود، کاملاً جدید و البته کاملاً باطل است؛ زیرا اولاً آیات مشابه قرآن چندان فراوان نیستند که همه قرآن را فرا بگیرند؛ طورى که بتوان براى هر سوره و آیه‏اى، مشابهى در قرآن یافت؛ براى مثال هیچ سوره‏اى با سوره کوثر شباهت ندارد؛ از این رو درنرم افزار توحید آیاتى که به عنوان آیات مشابه این سوره نشان داده مى شود، جز در دو حرف پایانى همسان نیستند.

اِنّا أعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ [کوثر 1] فَقالَ اِنْ هذا إِلّا سِحْرٌ یُؤثَرُ [مدثر 24]

فَصَلّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ [کوثر 2]انّا اَرْسَلْنا عَلَیْهِمْ حاصِبا إِلّا آلَ لُوطٍ نَجَّیْناهُمْ بِسَحَر[قمر34]

إِنَّ شانِئَکَ هُوَالْاَبْتَرُ [کوثر 3]وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ [فجر 3]

بدیهى است که چنین آیاتى را نمى توان آیات مشابه نامید و بر مقایسه میان آنها هم هیچ فایده‏اى مترتب نیست .

ثانیا این نرم افزار براى تشابه بخش پایانى آیات برنامه ریزى شده است؛ لذا اگر تشابه در بخش اول یا میانى آیات وجود داشته باشد، آن را نشان نمى‏دهد؛ براى مثال در حالى که براى «قالُوا حَسْبُنا ما وَجَدْنا عَلَیْه آباءَنا»(2)[ مائده 104] هشت مورد مشابه وجود دارد، [اعراف 28، یونس 78، انبیاء 53، شعراء 74، لقمان 21 و زخرف22و23[ نرم‏افزار توحید فقط آیه 170 سوره بقره را- که همسان آن به «شیئا ولایهتدون» ختم شده است- نشان مى‏دهد.

ثالثا در قرآن همه مضمونهاى واحد با الفاظ واحدى نیامده‏اند؛ لذا بسا در تفسیر موضوعى یا تفسیر قرآن به قرآن لازم است که یک مضمون در چند لفظ مختلف جستجو شود؛ مثل معناى پیمان که در الفاظى نظیر عهد، عقد و میثاق قابل تحقیق است. علّامه طباطبائى آیه «فَأَتِمّوا الیهم عهدهم الى مُدَّتِهم»(1) [توبه 4] را در معنا نظیر آیه «اوفوا بالعقود» (2) [مائده 10] دانسته است[14]؛ بدون اینکه لفظ مشابهى داشته باشند.

رابعا همیشه لفظ واحد داراى مضمون واحد نیست تا در تفسیر قرآن به قرآن یا تفسیر موضوعى سودمند افتد. گاهى یک لفظ در سیاقات مختلف معانى متفاوتى به خود مى‏گیرد؛ مثل لفظ «کَفَرَ» در دو آیه ذیل که در اوّلى به معناى ناسپاسى کردن و در دوّمى به معناى انکار کردن است.

- و من یشکرُ فإِنّما یشکُرُ لنفسه و من کفر فإِنّ الله غنى حمید [لقمان 12] ( و هر که سپاس بگزارد، تنها براى خود سپاس مى‏گزارد و هر کس ناسپاسى کند، در حقیقت، خدا بى‏نیاز ستوده است).

- مَنْ کَفَرَ بِاللّهِ بَعْدَ إِیمانِه .... [نحل 106] (هر کس خدا را انکار کند، پس از ایمان آوردنش...).

بنابرانى روش مقایسه آیاتى که پایانشان مشابه یکدیگر است، توانایى حل همه مجهولات قرآنى را ندارد، چه رسد به اینکه بتواند تمام مجهولات علوم انسانى را نیز حل کند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1) پس پیمان ایشان را تا [پایان] مدتشان به سر برید.

2) به پیمانهاى خود وفا کنید.

منابع

1) ابن‏الجزرى، محمّدبن‏محمّد؛ غایة‏النهایة فى طبقات‏القراء، ذیل همان نام.

2) همان، ذیل همان نام.

3) ابن‏الجزرى، پیشین، ذیل همان نام و حاجى‏خلیفه، کشف‏الظنون، ذیل همان کتاب.

4) داوودى، طبقات المفسرین، ذیل همان نام.

5) حاجى خلیفه، پیشین، ذیل همان کتاب.

6) داوودى، پیشین، ذیل همان نام.

7) حاجى خلیفه، پیشین، ذیل همان کتاب.

8) اسماعیل پاشا بغدادى، هدیة‏العارفین، ذیل همان نام.

9) سیوطى، عبدالرحمن؛ الاتقان فى علوم القرآن 2/248.

10) حدیثى، طاهر (تهیّه و تنظیم)؛ چکیده پایان‏نامه‏هاى علوم قرآنى 1/47.

11) نکونام، جعفر (گردآورى و تدوین)؛ چکیده پایان‏نامه‏هاى علوم قرآنى 3/64.

12) زرکشى، البرهان فى علوم‏القرآن 1/146 و سیوطى، پیشین.

13) زرکشى، پیشین 147.

14) طباطبائى، محمدحسین؛ المیزان فى تفسیرالقرآن 9/114.